



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۳۰	تاریخ	۱۴۰۳/۰۸/۱۴
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	نوع اول: استدلال به کتاب				
عنوان ۵	استدلال به آیه نفر				
عنوان ۶	اشکالات بر مقدمات استدلال				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس گذشته

خلاصه بحث ما برای استدلال به آیه نفر برای اثبات حجیت خبر واحد چنین بود که گفتیم استدلال به این آیه، متوقف بر دو رکن یا مقدمه است؛ یکی دلالت آیه بر وجوب حذر و دیگری تلازم بین وجوب حذر و حجیت خبر. سپس به بحث در این دو رکن پرداختیم. مسأله ملازمه بین وجوب حذر و حجیت خبر را بحث کردیم و سپس به بحث از دلالت آیه بر وجوب حذر پرداختیم و گفتیم تقریباتی برای اثبات وجوب حذر به وسیله آیه وجود دارد.

خلاصه تقریب اول این بود که آیه به وسیله «لعل»، دلالت بر مطلوبیت حذر هنگام انذار منذر دارد؛ چه انذار موجب علم شود و چه موجب علم نشود. مطلوبیت نزد خدا نیز به معنای وجوب است. وجوب حذر در هنگامی که انذار منذر موجب علم نمی شود، به معنای حجیت انذار منذر است. سپس ایراد محقق اصفهانی بر این تقریب را بیان کردیم.

اشکال محقق اصفهانی بر متوقف بودن استفاده حجیت خبر از آیه بر مطلوبیت حذر به وسیله «لعل»

محقق اصفهانی مطلبی دارد که نه تنها به این شکل از استدلال به آیه بر وجوب حذر اشکال وارد می کنند؛ بلکه بیان می کنند که دلالت آیه بر حجیت خبر، متوقف نیست بر اثبات وجوب حذری که به وسیله مطلوبیت در «لعل» ایجاد می شود؛ بلکه حتی اگر «لعل» بر مطلوبیت هم نداشته باشد، می توان گفت که آیه، دلالت بر حجیت خبر دارد. تقریب ایشان را در چند بند بیان می کنیم:

بند اول: در گذشته در تقریب بیان ایشان، اشاره کردیم که «لعل» بر معنای شک در مدخول دلالت دارد؛ به عبارت دیگر، مدخول «لعل»، محتمل الوقوع است.

بند دوم: محتمل الوقوع بودن حذر با وجود قاعده قبح عقاب بلا بیان معنا ندارد؛ زیرا قاعده قبح عقاب بلا بیان، احتمال عقاب در هنگام عدم بیان را لغو می کند. از این رو همین که آیه دلالت داشته باشد بر اینکه این حذر محتمل الوقوع است با وجود قاعده قبح عقاب بلا بیان، بدین معناست که این انذار، حجیت دارد و این احتمال حذر را به یک حذر واجب الاجتناب تبدیل می کند.

به عبارت دیگر: این آیه دلالت دارد بر اینکه این حذر محتمل الوقوع، حذر ناشی از تنجز عقاب به وسیله انذار است؛ یعنی چون این عقاب به وسیله انذار منجز می شود، اجتناب از آن لازم می شود. اگر این حذر به وسیله این انذار واجب الاجتناب نشود، جایی برای حذر وجود ندارد؛ زیرا احتمال عقاب به وسیله قاعده قبح عقاب بلا بیان منتفی خواهد شد. در نتیجه این انذار، اندازی است که حذر از آن واجب است؛ ولو به عنوان احتمال وقوع؛ اما این احتمال وقوع، احتمال وقوعی است که ناشی از یک عقاب منجز است؛ یعنی اگر این احتمال مطابق با واقع شد، عقاب آور خواهد بود؛ به عبارت دیگر: این احتمال، احتمال منجزی است؛ نه احتمال مرفوع به وسیله قاعده قبح عقاب بلا بیان.

خلاصه اینکه وجوب حذر، نشأت گرفته از انذار منذر است؛ نه از مطلوبیت حذر هنگام انذار است؛ زیرا «لَعَلَّهُمْ يَحَذَرُونَ». دلالت دارد بر اینکه در اینجا احتمال وقوعی است که به وسیله انذار، واجب الاجتناب و منجز می شود؛ زیرا اگر این حذری که بعد از انذار است، حذر واجب الاجتناب نبود، به وسیله قاعده قبح عقاب بلا بیان منتفی بود.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان] به عبارت دیگر، قاعده قبح عقاب بلا بیان، می فهماند که به مجرد انذار، استحقاق عقابی وجود ندارد و مجرد انذار، منشأ تنجیز عقاب نمی شود و موجب خوف و حذر نیست؛ زیرا فرض این است که انذار، علم آور نیست؛ در حالی که آیه می فهماند که این انذار، موجب خوف و حذر است؛ پس این انذار، حجت است که موجب خوف و حذر می شود. اگر این انذار، دلالت بر وجوب خوف و حذر نداشت، قاعده قبح عقاب بلا بیان باید آن را منتفی می کند و اگر قاعده قبح عقاب بلا بیان آن را منتفی می کرد، چه جایی برای حذر وجود داشت؟

خلاصه اینکه ایشان می فرمایند از ترتب حذر بر انذار در این آیه، چنین استفاده می شود که این حذر، بعد از انذار جای دارد؛ به تعبیر ایشان: بعد از انذار، موقع احتمال عقاب است؛ در حالی که اگر این انذار حجت نباشد، جایی برای احتمال عقاب بعد از انذار وجود ندارد؛ زیرا قاعده قبح عقاب بلا بیان، رافع احتمال عقاب در اینجا بود و دیگر جایی برای حذر باقی نمی ماند. در نتیجه نیاز نیست از «لعل»، مطلوبیت حذر استفاده شود؛ بلکه همین که می فهماند که احتمال عقاب بعد از انذار منذر وجود دارد، نشان می دهد که این انذار، حجت و بیان است که می تواند رافع قاعده قبح عقاب بلا بیان باشد.

اشکال بر بیان محقق اصفهانی رحمته الله علیه

ما بر این بیان اشکال داریم. اشکال اول ما این است که بر فرض اینکه قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری شود، حسن حذر منتفی نمی شود. به عبارت دیگر، قاعده قبح عقاب بلا بیان، حسن حذر را منتفی نمی کند؛ یعنی منتفی شدن عقاب، به معنای این نیست که حذر از مخالفت مولا، حسن نباشد. اطاعت مولا، محبوبیت دارد؛ اگرچه بر عدم اطاعت، عقاب بار نشود. قاعده قبح عقاب بلا بیان، عقاب بر مخالفت را بر می دارد؛ نه حکم واقعی را؛ لذا حسن حذر باقی خواهد بود. در نتیجه

لازم نیست که حتماً انذار منذر حجت باشد تا «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» جا داشته باشد؛ بلکه خود حذر از مخالفت مولا در فرضی که قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری می شود نیز حسن است و جا دارد.

اشکال دوم - که می توان گفت مکمل اشکال اول است - این است که «لعل» در آیه که دلالت بر احتمال وجود حذر دارد، با حسن حذر نیز سازگار است. حسن حذر هم به رغم جریان قاعده قبح عقاب بلا بیان نیز وجود دارد و متوقف بر حجیت انذار نیست. بنابراین لازم نیست که حتماً انذار حجت باشد و در نتیجه حذر نیز واجب باشد تا «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» بگوید؛ بلکه همین که حسن حذر وجود داشته باشد، کافی است که چنین بگوید.

این تمام کلام در تقریب اول که مبتنی بر این بود که لعل، دلالت بر مطلوبیت حذر هنگام انذار منذر دارد - اگر چه مفید علم نباشد - و مطلوبیت حذر نزد خداوند، به معنای وجوب است و وجوب حذر در هنگام انذار منذر در صورتی که مفید علم نباشد، به معنای حجیت است.

از آنچه تاکنون بیان شد، به این نتیجه رسیدیم که این تقریب درست نیست؛ زیرا «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» دلالت بر مطلوبیت به معنای وجوب ندارد؛ بلکه ممکن است بر احتمال مدخول دلالت کند؛ اعم از اینکه به دلیل حجیت انذار باشد یا حجت نباشد و موجب علم هم نباشد؛ بلکه تنها به احتمال وجود حکم مولوی باشد که در این صورت نیز حسن حذر وجود دارد در نتیجه، احتمال آن نیز وجود دارد.

ان قلت: ممکن است گفته شود این احتمال، مترتب بر انذار نیست؛ بلکه اگر انذار هم نباشد، این احتمال وجود دارد پس چرا آیه می فرماید: «لِيُنْذِرُوا... لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ».

قلت: این انذار، می تواند منشأ این احتمال باشد؛ زیرا ممکن است شخص غافل باشد. به عبارت دیگر یکی از فایده های انذار، تنبیه (بیرون آوردن غافل از غفلت) است. درست است که احتمال عقاب عقلاً وجود دارد؛ اما ممکن است شخص، متوجه این احتمال عقاب نباشد؛ در این صورت انذار منذر، او را متوجه احتمال عقاب می کند و این کفایت می کند و نیاز نیست انذار، حجت باشد؛ بلکه همین که منته از غفلت باشد کافی است. بنابراین این بیان، بیان سلیمی نیست.

اشکالی شهید صدر رحمته الله علیه بر تقریب دوم دارند. تقریب دوم این بود که اگر حذر واجب نباشد، انذار که در آیه واجب شده است، لغو می شود. به عبارت دیگر اگر ترتیب اثر بر این انذار واجب نباشد، انذار لغو می شود. این خلاصه تقریب دوم است که در آینده اشکال استاد شهید رحمته الله علیه بر آن را بیان خواهیم نمود ان شاء الله.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين